

9 جنوری 2010

## دلتنگی "عنجم چودری" در بریتانیا به بازگشت ملا عمر و اسامه در حاکمیت افغانستان

محمد اکرام اندیشمند

عنجم چودری رهبر گروه "اسلام برای بریتانیا" در صدد برگزاری یک راهپیمایی ضد جنگ در شهر "ووتون بست" در منطقه ی "ویلت شایر" واقع جنوب بریتانیا است. مسیر مورد نظر چودری برای راهپیمایی محلی است که



در آن مراسم رسمی بازگرداندن اجساد سربازان بریتانیا برگزار می شود. این رهبر گروه اسلامی در بریتانیا می گوید که در این راهپیمایی ضد جنگ پنجم صابون خالی را در خیابان اصلی شهر مذکور حمل می کند تا یاد مسلمانانی را که در افغانستان توسط نیروهای بریتانیا و امریکا کشته می شوند گرامی دارد و اعتراض او به اشغال افغانستان توسط این نیروها بیان شود. (سایت بی.بی.سی)

بسیاری از سیاستمداران حاکم و گروه های مختلف سیاسی و اجتماعی بریتانیا با انجام این راهپیمایی به عنوان عمل توهین آمیز علیه سربازان مقتول بریتانیایی در جنگ افغانستان مخالفت خود را نشان دادند و آنرا محکوم کردند.

اینکه دولتمداران بریتانیا و گروه های سیاسی آن کشور با چه بیان و استدلالی در مخالفت با راهپیمایی مورد نظر عنجم چودری پرداخته اند مربوط به خود شان است؛ اما نکته ی مورد بحث و قابل پرسش که به آقای چودری بر میگردد این است که او چرا چنین راهپیمایی را در مخالفت با کشتار مسلمانان افغانستان از سوی طالبان و القاعده در سالهای حاکمیت آنها براه نینداخت؟ در آن سالهای که طالبان و هزاران جنگجوی عرب و غیر عرب همراه آنها به کشتار مسلمانان افغانستان در مناطق مختلف این کشور پرداختند. در آن سالهای که طالبان و القاعده به قتل عام مسلمانان افغانستان از هرات تا تاجیکستانهای شمالی و از بامیان تا فاریاب و تخار دست زدند. در آن سالهای که فرماندهان عرب القاعده در شمال پایتخت در ولایات

پروان و کاپیسا به جنگجویانشان دستور می دادند تا در تمام مساجد منطقه صدای اذان را از بلند گوها ببندند و متوجه باشند که مؤذن ها در داخل مساجد با آهستگی اذان بگویند تا گویا تردیدی در ایمان و عزم جنگجویان آنها برای خون ریزی و کشتار مردم ایجاد نشود. اما کجا بود ایمان اسلامی عنجم چودری و دلسوزی او برای مسلمانان افغانستان که در آن زمان در کوچه های بریتانیا دست به راهپیمایی بزند و فریاد اعتراضش را بلند کند؟ بدون تردید زنان و دختران خانواده ی عنجم چودری و خانواده های گروه اسلامی او در بریتانیا جهت آموزش و تحصیل به مدارس و دانشگاه ها می روند. چودری نه تنها تعلیم و تحصیل آنان را در مخالفت با اسلام تلقی نمی کند بلکه آنها الزامات اسلامی و شرعی می پندارد. اما طالبان در سالهای حاکمیت شان دختران و زنان مسلمان افغانستان را از تعلیم و تحصیل باز داشتند و دروازه های مدارس و مراکز تحصیل را بروی آنان بستند. چرا در آن سالها عنجم چودری از گروه خویش و از مسلمانان بریتانیا نخواست تا در محکومیت این عمل طالبان به خیابانها بیایند و از طالبان و القاعده بخواهند که نیمی از جمعیت مسلمان افغانستان را از تعلیم و تحصیل که فریضه ی همه زنان و مردان مسلمان است محروم نسازند؟ آیا عنجم چودری و گروه او در سالهای حکومت طالبان و سلطه ی القاعده که زنان مسلمان افغانستان در کوچه ها و خیابانهای پایتخت شلاق می خوردند و در میدان ورزشگاه کابل سنگسار می شدند یک روز هم در دفاع از مظلومیت آن زنان مسلمان سخن گفت و به تقبیح ظلم طالبان پرداخت؟ عنجم چودری به خانواده های سربازان بریتانوی مقتول در افغانستان می گوید که: «افغانستان یکی از شهرهای بریتانیا در نزدیکی "ووتون بست" نیست، بلکه کشوری مسلمانی است که هیچکس حق اشغال آنها ندارد.» آیا افغانستان یکی از شهرهای کشور اسامه بن لادن و جنگجویان عرب او میراث پدری آی. اس. آی پاکستان و ژنرالان پاکستانی بود که در سالهای حاکمیت طالبان هزاران جنگجوی آنها در این کشور مرتکب کشتار و زمین سوزی شدند؟ مسلماً افغانستان نه از شهرهای کشور اسامه و عرب های القاعده بود و نه سرزمین آی. اس. آی و طالبان فضل الرحمن و سمیع الحق. اما کجا بود آن وجدان بیدار و بصیرت حق بین عنجم چودری که در آن زمان نیز می گفت افغانستان کشوری مسلمانی است که پاکستانیها و عرب ها حق اشغال و خون ریزی را در آن ندارند؟ واقعیت این است که انگیزه و نیت عنجم چودری رهبر سازمان اسلام برای بریتانیا در اعتراض به جنگ امریکا و بریتانیا در افغانستان از دلسوزی او به اسلام و مردم مسلمان افغانستان ریشه نمی گیرد. او برای برگشت حاکمیت طالبان و القاعده دل تنگ است. عنجم چودری می خواهد که سربازان بریتانیا و امریکا از افغانستان خارج شوند تا راه برای بازگشت سربازان ملامعمر و القاعده ی اسامه بن لادن و حاکمیت آنها در کشتار و اذیت مردم مساعد شود و مردم مسلمان این کشور در سایه ی ظلمت تفکر

طالبانی و القاعده به قهقراى جهل، بى عدالتى، استبداد و نزاع خونين و  
پايان ناپذير نفرت و خصومت هاى مختلف مذهبى، قومى، زبانى و نژادى  
سقوط کنند.